



توحید و شرک از دیدگاه ابن تیمیه

رضا پورعلی سرخه دیزج*

چکیده

با توجه به تأثیرپذیری وهابیان و سلفیان از افکار ابن تیمیه در مسئله توحید و شرک، و در نتیجه، اقدام ایشان به مشرک خواندن سایر مسلمانان، بررسی دیدگاه ابن تیمیه در این باره ضروری است. از این رو، مقاله پیش‌رو بررسی و نقد دیدگاه ابن تیمیه درباره توحید و شرک را موضوع خود ساخته و به بحث در این مسئله پرداخته است. در این مقاله، ابتدا اقسام توحید از دیدگاه ابن تیمیه بررسی شد و روشن گردید که وی توحید را سه‌قسمی دانسته و تقسیم ارائه‌شده توسط او با سه اشکال «استقرایی و اجتهادی بودن»، «تکیه‌داشتن بر استقرای ناقص» و «فاقد ثمره عملی بودن» روبه‌روست. آن‌گاه دیدگاه وی درباره هر یک از اقسام سه‌گانه توحید مورد بررسی و نقد قرار گرفت و روشن شد که اولاً: لازمه دیدگاه وی در «توحید در اسما و صفات» تجسیم و اعتقاد به جسمانیت خداوند سبحان است. ثانیاً: دیدگاه او درباره «توحید در ربوبیت» نیز با دو اشکال «خلط میان مفهوم رب و خالق» و نیز «عدم صحت ادعای وی مبنی بر موحد بودن مشرکان در حوزه ربوبیت» مواجه است. ثالثاً: ادعای او مبنی بر امکان «مشرک بودن در حوزه الوهیت» با وجود «موحد بودن در حوزه ربوبیت»، برخلاف تبیین او از رابطه حاکم میان «توحید در ربوبیت» و «توحید در الوهیت» است.

کلیدواژه‌ها: ابن تیمیه، اقسام توحید، توحید در اسما و صفات، توحید در ربوبیت، توحید در الوهیت، شرک در ربوبیت، شرک در الوهیت.

* کارشناسی ارشد کلام اسلامی، دانش‌پژوه مؤسسه دار الإعلام لمدرسة أهل البيت (علیهم‌السلام) و دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام).

مقدمه

توحید و شرک و اینکه «موحد» کیست و «مشرك» چه کسی است، از مباحث مورداهتمام ادیان آسمانی است. اسلام نیز به این مسئله توجه ویژه‌ای داشته و آیات متعدد قرآن به بحث درباره آن پرداخته‌اند. این مسئله زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که گروه‌های متعدد سلفی و وهابی با ارائه تقسیم‌ها و معانی خاص از توحید و شرک، دایره توحید را بسیار محدود کرده و شرک را در جغرافیای گسترده‌تری مطرح می‌سازند؛ در نتیجه، اکثر موحدان «مشرك» معرفی می‌شوند و قتال با آنان مباح می‌گردد. از آنجا که تفاسیر و تقسیم‌های ارائه شده از توحید توسط سلفیان، ریشه در تقسیم و تفسیر ابن تیمیه دارد، بررسی دیدگاه وی در این باره بسیار ضروری است. باید دید وی چه تعریف و تفسیری از توحید و شرک داشته و چه اقسامی برای آن قائل است، و اینکه این تعریف و تقسیم تا چه اندازه با آموزه‌های اسلام سازگاری دارد و چه نقدهایی بر آن وارد است. از این رو، در مقاله پیش‌رو اقسام توحید و نیز تعریف هر قسم، از دیدگاه ابن تیمیه مطرح گردیده و مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد.

اندیشه سلفیت و وهابیت در حوزه توحید و شرک مورد توجه پژوهشگران بوده و در آثار نوشته شده در این باره، کم‌وبیش به اندیشه و دیدگاه‌های ابن تیمیه نیز توجه شده است. اما تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی عقاید ابن تیمیه در مسئله توحید و شرک اختصاص نیافته و پژوهشی جامع و کامل در این باره ارائه نشده است؛ پژوهشی که در آن زوایای مختلف بحث از منظر ابن تیمیه مورد بررسی قرار گرفته و ضمن تبیین دقیق اندیشه وی، به اشکالات موجود در کلام او نیز اشاره شود. نوشته پیش‌رو اولین اثری است که به این موضوع اختصاص یافته و مشتمل بر نکاتی است که در پژوهش‌های قبلی مورد توجه قرار نگرفته است.

از آنجا که توحید و شرک ضد همدیگرند و طبق قاعده تُعرفُ الأشیاء بأضدادها، اشیا به واسطه اضدادشان شناخته می‌شوند، در واقع «بررسی و نقد توحید»، بررسی و نقد شرک نیز است؛ بنابراین در این مقاله، بحث مستقلی درباره شرک مطرح نشده است و در ضمن

بحث از توحید، به بحث درباره شرک نیز پرداخته خواهد شد.

اقسام توحید

ابن تیمیه توحید را به دو قسم عملی و علمی تقسیم کرده است.^۱ او قسم اول را توحید در عبادت دانسته که مبتنی بر طلب و اراده است، و قسم دوم را مشتمل بر توحید در صفات معرفی کرده است که جنبه خبری دارد.^۲ به اعتقاد او، از آنجا که هر خبری قابل تصدیق و تکذیب است، مسئله اصلی در توحید در صفات، اثبات و نفی برخی اوصاف درباره خداوند سبحان است و از آنجا که اراده و طلب ریشه در حب و بغض دارند، مسئله اصلی در توحید عبادی نیز حب خداوند سبحان و عدم بغض نسبت به ایشان، و در نتیجه، مراعات رضایت او در اقوال و اعمال است.^۳ وی در جایی دیگر، توحید را به توحید در ربوبیت و توحید در الوهیت تقسیم کرده است.^۴ او توحید در ربوبیت را مترادف با توحید علمی، و توحید در الوهیت را مترادف با توحید عملی دانسته است؛^۵ بنابراین، از نظر او توحید در ربوبیت جنبه خبری دارد و قسم دیگر توحید علمی است، و توحید در الوهیت نیز همان توحید عملی یا توحید در عبادت است. حاصل سخن اینکه نزد ابن تیمیه توحید به دو قسم توحید علمی و علمی تقسیم می شود. توحید علمی مترادف با توحید در الوهیت یا عبادت است و توحید علمی نیز به دو قسم توحید در ربوبیت و توحید در صفات تقسیم می شود.

بررسی و نقد

حسن سقاف هدف از تقسیم سه گانه توحید^۶ را تشبیه مؤمنان به مشرکان و در نتیجه،

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، التدمیریه، ص ۳ تا ۵.

۲. همان.

۳. برای مطالعه بیشتر، نک: همان.

۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۱۰، ص ۲۶۴.

۵. همان.

۶. اعم از تقسیم مستقیم توحید به سه قسم «اسما و صفات»، «ربوبیت» و «الوهیت»، یا تقسیم توحید به دو قسم «علمی» و «عملی» و آن گاه تقسیم «توحید علمی» به «توحید در اسماء و صفات» و «توحید در ربوبیت».

تکفیر اهل توسل دانسته است؛ چراکه با تکیه بر این تقسیم‌بندی می‌توان ادعا کرد که مشرکان نیز در حوزه ربوبیت موحد بودند و انحراف آنان، در توحید الوهی بوده است. آنان در نظر و عقیده، خالق آسمان‌ها و زمین را خداوند یکتا می‌دانستند؛ اما در حوزه عمل گرفتار انحراف بودند و به عبادت بت‌ها می‌پرداختند. بنابراین، اهل توسل و زیارت قبور و... هرچند در حوزه ربوبیت موحدند، اما در حوزه عمل گرفتار انحراف هستند و مانند مشرکان که به عبادت بت‌ها و توسل به آنان اشتغال داشتند، به انبیا و اولیا و... توسل می‌کنند و به عبادت آنان مشغول‌اند.^۱ به هر حال تقسیم سه‌گانه توحید، اعم از تقسیم مستقیم یا با واسطه توحید به سه قسم، با اشکالات جدی روبه‌روست. برخی از این اشکالات عبارت‌اند از:

الف. مخالفت با سلف در استقرا و اجتهاد

تقسیم مذکور به شکل واضح و صریح، نه در قرآن کریم آمده است و نه در روایت معتبری از نبی اکرم ﷺ نقل شده است. واقعیت این است که این تقسیم، یک تقسیم اجتهادی و استقرایی صرف است و ادله مختلفی بر این مطلب دلالت می‌کنند:

۱. اختلاف تقسیم‌ها با یکدیگر

ابن تیمیه توحید را به دو قسم علمی و عملی تقسیم کرده و توحید علمی را مشتمل بر توحید در صفات و توحید در ربوبیت دانسته است.^۲ این در حالی است که ابن قیم، شاگرد وی، بعد از تقسیم توحید به دو قسم علمی و ارادی، برخلاف استادش توحید در ربوبیت را از اقسام توحید ارادی دانسته است، نه توحید علمی!^۳ وهابیان معاصر نیز از تقسیم دوگانه توحید عدول کرده و با ارائه تقسیمی سه‌گانه، توحید را از همان ابتدا به سه قسم «توحید در ربوبیت»، «توحید در الوهیت» و «توحید در اسما و صفات» تقسیم کرده‌اند.^۴

۱. برای مطالعه بیشتر، نک: سقاف، حسن بن علی، التندید بمن عدد التوحید، ص ۸.

۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، التدمیریه، ص ۳ تا ۵؛ ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۱۰، ص ۲۶۴.

۳. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی‌بکر، مدارج السالکین، ج ۱، ص ۴۸.

۴. ابن عثیمین، محمد بن صالح، القول المفید علی کتاب التوحید، ج ۱، ص ۱۲؛ ابن عثیمین، محمد بن صالح، شرح العقیده السفارینیة، ص ۱۷.

چنین اختلافاتی در تقسیم توحید، دلیل بر اجتهادی و استقرایی بودن تقسیم سه‌گانه توحید است.

برخی سلفیان درصدد توجیه این اختلافات برآمده و مدعی شده‌اند که تقسیم‌های ارائه‌شده توسط ابن تیمیه و دیگر سلفیان، یک تقسیم بیشتر نیست و تقسیم‌های مذکور بیان‌های مختلفی از یک تقسیم هستند.^۱ عبدالرحیم سلمی بر این باور است که اختلاف موجود در تقسیم توحید، از دو عامل نشأت گرفته است:

۱. اختلاف زاویه و جهت تقسیم: به اعتقاد او کسانی که توحید را به توحید علمی و عملی تقسیم کرده‌اند، از ناحیه عبد به توحید نگریسته‌اند؛ اما کسانی که آن را به توحید ربوبی، توحید الهوی و توحید اسما و صفات تقسیم کرده‌اند، توحید را از ناحیه خداوند سبحان بررسی کرده‌اند.

۲. اختلاف در تعبیر: او بر این باور است که اختلاف در تقسیم می‌تواند از اختلاف در تعبیر نیز نشأت بگیرد؛ به عنوان مثال، از «توحید علمی» به توحید در علم و اعتقاد، توحید قولی و توحید اعتقادی، و همچنین از «توحید عملی» به توحید قصد و طلب، توحید قصدی طلبی، توحید در عمل و توحید فعلی تعبیر شده است.^۲ در پاسخ سلمی باید گفت:

اولاً: اینکه اختلاف در تقسیم، اختلاف حقیقی نبوده و از اختلاف زاویه تقسیم یا اختلاف در تعبیر نشأت گرفته است، ادعایی بدون دلیل است.

ثانیاً: بر فرض که اختلاف فقط در حد اختلاف در جهت تقسیم یا اختلاف در تعبیر باشد، بازهم چنین اختلافی کاشف از اجتهاد و استقرا است؛ چراکه اگر قرآن یا سنت اقدام به تقسیم دوگانه یا سه‌گانه توحید کرده باشند، باید حتی در جهت و زاویه تقسیم و نیز تعبیر به‌کاربرده‌شده، از آن دو منبع تبعیت کرد.

۱. سلمی، عبدالرحیم بن صمایل، حقیقة التوحید بین أهل السنة و المتکلمین، ص ۸۷ و ۸۸.

۲. همان.

۲. تصریح بزرگان سلفیت بر استقرایی بودن تقسیم

به اعتقاد رشید رضا تقسیم توحید، یک تقسیم نظری است که بر استقرا تکیه دارد.^۱ عبدالمحسن البدر نیز منشأ تقسیم مذکور را استقرای قرآن و سنت نبی اکرم ﷺ دانسته است^۲ و بن باز نیز می نویسد: «تقسیم سه گانه توحید بر استقرا تکیه دارد؛ چراکه علما بعد از استقرای نصوص کتاب و سنت، به این تقسیم دست یافتند».^۳

حال که استقرایی و اجتهادی بودن تقسیم سه گانه توحید اثبات شد، باید دید که آیا ابن تیمیه در استقرا و اجتهاد خویش، از سلف تبعیت کرده و سلف نیز با تکیه بر استقرا و اجتهاد، توحید را سه قسمی دانسته اند، یا اینکه ایشان چنین برداشتی از نصوص نداشته و ابن تیمیه توجهی به فهم سلف در این باره نداشته است؟ حسن سقاف در پاسخ به این سؤال می نویسد: «نزد سلف، خبری از این تقسیم نیست و این تقسیم، تقسیمی اختراعی است که بعد از قرن هفتم هجری منتشر شده است».^۴ البته کسانی مانند عبدالرزاق بدر تلاش دارند، سلف را هم عقیده با ابن تیمیه معرفی کنند و استقرا و اجتهاد ابن تیمیه را به استقرا و اجتهاد سلف مستند سازند.^۵ اما باید توجه داشت که وی یا به کلام کسانی مانند ابن بطه (م ۳۸۷ق)، ابن منده (م ۳۹۵ق) و... استناد کرده است^۶ که افزون بر اینکه کلامشان مثبت ادعای او نیست، اساساً از سلف محسوب نمی شوند، یا اینکه کلام کسانی مانند قاضی ابویوسف (م ۱۸۲ق)، ابوحنیفه (م ۱۵۰ق) و... را دلیل مدعای خود دانسته است^۷ که بر فرض اینکه بپذیریم اینها از سلف هستند، کلامشان به هیچ وجه مثبت ادعای او نیست و اساساً نمی توان از کلام آنان تقسیم سه گانه توحید را استخراج نمود. بنابراین می توان گفت ابن تیمیه با ارائه تقسیم سه گانه توحید، از مبنای خود یعنی حجت فهم

۱. محمود متولی، تامر محمد، منهج الشيخ محمد رشيد رضا في العقيدة، ص ۲۴۹.

۲. عباد البدر، عبدالمحسن بن حمد، شرح الأربعين النووية، ج ۴، ص ۳.

۳. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، مجموع فتاوى، ج ۶، ص ۲۱۵.

۴. سقاف، حسن بن علی، التنديد بمن عُدَّ التوحيد، ص ۵.

۵. بدر، عبدالرزاق بن عبدالمحسن، القول السديد في الرد على من أنكر تقسيم التوحيد، ص ۳۱.

۶. همان، ص ۳۲ و ۳۳.

۷. همان، ص ۳۷ تا ۴۲.

سلف،^۱ عدول کرده است. او توحید را در حالی سه‌قسمی می‌داند که نزد سلف، یعنی مردمان سه قرن اول اسلام که عبارت‌اند از صحابه و تابعان و تابعان تابعان،^۲ خبری از این تقسیم‌بندی نیست.

ب. استناد به استقرای ناقص

علمای سلفی با تقسیم استقرا به استقرای کامل و ناقص، تنها استقرای کامل را حجت دانسته‌اند.^۳ از منظر ایشان، استقرای کامل قرآن این است که فرد تمام قرآن را مورد مطالعه و تدبر قرار دهد، بدون اینکه آیاتی از آن را جا انداخته باشد، و آن‌گاه به حقیقتی واضح و روشن دست یابد.^۴ بنابراین، حتی اگر برخلاف مبنای ابن تیمیه، استقرا بدون استناد به فهم سلف حجت باشد، از منظر سلفیه، تنها در صورتی استقرای ابن تیمیه حجت است که استقرای کامل باشد و روشن است که وی در تقسیم سه‌گانه توحید به تمام آیات قرآن کریم توجه ندارد و پشتوانه این تقسیم، یک استقرای ناقص است. بن باز خود به نقص استقرای ابن تیمیه اعتراف کرده و بیان می‌کند که برخی با تکیه بر استقرا، توحید در تبعیت را نیز به اقسام توحید اضافه کرده‌اند.^۵

ج. عدم ترتب اثر و فایده

ابن تیمیه بر این باور است که الوهیت متضمن ربوبیت، و ربوبیت نیز مستلزم الوهیت است.^۶ به عبارت دیگر، وقتی کسی را «اله» بدانیم، حتماً او را «رب» نیز می‌دانیم و وقتی کسی را «رب» بدانیم، باید او را «اله» نیز بدانیم. البته امکان دارد کسی به این استلزام توجه نداشته باشد و در عین اینکه توحید در ربوبیت دارد، بخواهد اله دیگری غیر از الله

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۴، ص ۱۵۸؛ ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الفتاوی الحمویة الکبری، ص ۱۸۲.

۲. ترکی، عبدالله بن عبدالمحسن، مجمل اعتقاد ائمة السلف، ص ۱۳۳؛ دمیحی، عبدالله بن عمر، فهم السلف الصالح للنصوص الشرعية، ص ۱۷.

۳. حازمی، احمد بن عمر، شرح العقيدة الواسطیة، ج ۲۴، ص ۳۱. همان.

۴. بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله، مجموع فتاوی، ج ۶، ص ۲۱۵.

۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۱۰، ص ۲۸۴.

تبارک و تعالی را برگزیند. اما هرگز به این کار موفق نخواهد شد؛ چون با توجه به اینکه اله متضمن رب است و وی الله تبارک و تعالی را رب می‌داند، دیگر با این اعتقاد هیچ‌کس یا چیز دیگری غیر از خداوند متعال نمی‌تواند «اله» شده و متضمن رب شود. بنابراین اعتقاد به الوهیت خداوند متعال، اعتقاد به ربوبیت او نیز است و همچنین با اعتقاد به ربوبیت خداوند متعال، نمی‌توان به الوهیت فرد یا چیز دیگری اعتقاد داشت. به عبارت دیگر، با وجود توحید در الوهیت، توحید در ربوبیت نیز هست و با وجود توحید در ربوبیت، شرک در الوهیت امکان ندارد و بازهم به عبارتی دیگر، اله حق، رب حق نیز است و با رب حق، تحقق اله باطل امکان‌پذیر نیست. حال که این‌گونه است، باید گفت که تقسیم توحید به دو قسم توحید در الوهیت و توحید در ربوبیت، تقسیمی است که فایده و اثری عملی بر آن مترتب نیست و یک بحث نظری صرف است.

اقسام سه‌گانه توحید و دیدگاه ابن تیمیه

در ادامه، دیدگاه ابن تیمیه درباره هر یک از اقسام سه‌گانه‌ای که وی برای توحید بیان کرده است، مطرح شده و مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد:

قسم اول: توحید در اسما و صفات

به اعتقاد ابن تیمیه، توحید در صفات خداوند سبحان زمانی محقق است که هر چیزی که خداوند به خود نسبت داده، به وی نسبت داده شود و هر آنچه ایشان از خود نفی کرده، از او سلب گردد.^۱ به اعتقاد وی، صفات خداوند سبحان باید بدون بیان کیفیت صفات و بدون تشبیه و تحریف و تعطیل به وی نسبت داده شود.^۲ او بر این باور است که چنین چیزی زمانی محقق است که صفات الهی حقیقتاً به وی نسبت داده شود، اما کیفیت صفات بیان نگردد.^۳ البته از نظر ابن تیمیه، عدم بیان کیفیت صفات، با عدم معنا برای صفات مترادف نیست؛ بلکه وی صفات خبری را با همان معنای معروفشان حقیقتاً به

۱. همان، ج ۳، ص ۳ تا ۸.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۵.

خداوند سبحان نسبت می‌دهد.^۱ به عنوان مثال، معنای «ید الله» را «دست خدا» می‌داند با همان معنای معروف دست؛ اما اینکه این دست به معنای معروف آن، چگونه بر خداوند قابل انطباق است و شکل و حالت دست خداوند چگونه است، این همان سؤال از کیفیت دست است که ابن تیمیه می‌گوید: «ما درباره آن آگاهی نداریم».^۲

ابن تیمیه دلیل خود بر مجهول بودن کیفیت صفات الهی را، مجهول بودن کیفیت ذات دانسته است. به اعتقاد او، همان گونه که ذات الهی مجهول است و کسی از کیفیت آن آگاه نیست، کیفیت صفات نیز معلوم نیست و سؤال از آن بدعت است؛ چراکه سؤال از چیزی است که انسان‌ها پاسخی برای آن ندارند و نمی‌توانند به آن پاسخ گویند.^۳ او می‌نویسد:

اگر [مستشکل] بگوید: «چگونه خداوند به آسمان دنیا نازل می‌شود؟» به او گفته می‌شود: «او (خداوند) چگونه است؟» پس زمانی که بگوید: «اطلاعی از کیفیت ذات خداوند ندارم» به او گفته می‌شود: «ما هم از کیفیت نزول خداوند سبحان اطلاعی نداریم؛ چراکه لازمه علم به کیفیت صفت، علم به کیفیت موصوف است و این مسئله فرع و تابع آن است. پس چگونه از من می‌خواهی که برای تو کیفیت شنیدن، دیدن، صحبت کردن، استوا و نزول خداوند را بیان کنم، در حالی که از کیفیت ذات الهی اطلاعی نداری؟!».^۴

بنابراین ابن تیمیه معتقد است: ۱. هر چیزی را که خداوند به خود نسبت داده، به وی نسبت داده می‌شود و هر چیزی را که ایشان از خود سلب کرده، از وی سلب می‌شود. ۲. صفات الهی با همان معنای معروفشان حقیقتاً به ایشان نسبت داده می‌شود؛ بدون تأویل، تحریف، تعطیل، تشبیه و بیان کیفیت صفات، و در این مسئله میان صفات خبری و دیگر صفات تفاوتی وجود ندارد. ۳. قاعده عقلی و دینی درباره صفات خداوند سبحان، همان قاعده‌ای است که درباره ذات ایشان به کار می‌رود؛ یعنی

۱. همان، ج ۶، ص ۳۹۴؛ ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، دقائق التفسیر الجامع لتفسیر ابن تیمیه، ج ۲، ص ۴۸۱.

۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۳، ص ۲۵.

۳. همان.

۴. همان.

همان طور که اصل ذات ایشان را اثبات می‌کنیم اما از کیفیت ذات اطلاعی نداریم، اصل صفات او را نیز ثابت می‌کنیم اما از کیفیت صفات اطلاعی نداریم.

بررسی و نقد

این سخن که معانی صفات الهی همان معانی معروفشان است، سخن صحیحی است. به عبارت دیگر، الفاظ و مفاهیمی که درباره اسما و صفات خداوند به کار می‌روند، مشترک معنوی هستند. به عنوان مثال، صفت علم با همان معنای معروفش درباره خداوند و انسان استعمال می‌شود؛ البته در واقعیت و مصداق، تفاوت‌های اساسی میان علم انسان و علم خداوند متعال وجود دارد. انسان به خود علم حضوری و به دیگران علم حصولی دارد؛ اما علم خداوند سبحان هم به خود و هم به دیگران، علم حضوری است.

همچنین ادعای ابن تیمیه مبنی بر عدم اطلاع از کیفیت صفات الهی به دلیل عدم اطلاع از ذات الهی، درباره کنه صفات خداوند متعال صحیح است؛ چرا که کنه صفات ایشان بر کسی آشکار نیست، همان طور که کنه ذات ایشان نیز برای احدی آشکار نیست. این بدان دلیل است که هم صفات و هم ذات خداوند سبحان نامحدود است و هرگز انسانی که دارای وجود متناهی است، نمی‌تواند بر خداوند سبحان که وجودی نامتناهی دارد، احاطه پیدا کند. اما باید توجه داشت:

الف. کلمه «کیفیت» کاربردهای مختلفی دارد:

۱. کیفیت در مقابل کمیت: کیفیت به این معنا از مقوله‌های عرض و از اقسام ماهیت است. ماهیت و عرض از صفات ممکن الوجود است و واجب الوجود بالذات از ماهیت و جوهر و عرض منزه است؛^۱ پس آن را نمی‌توان درباره ذات و صفات خداوند سبحان به کار برد.

۲. کیفیت به معنای مشابهت و مماثلت: ^۲ کیفیت به این معنا نیز در خداوند راه ندارد؛

۱. طباطبائی، سید محمدحسین، نهاية الحکمة، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الراغب، ص ۶۴۴.

چراکه به حکم عقل و وحی، خداوند مثل و نظیر ندارد.

۳. کیفیت به معنای ویژگی‌ها و خصوصیات یک چیز: به کاربردن کیفیت به این معنا هم در ذات و هم در صفات خداوند سبحان بدون اشکال، و بلکه لازم است؛ چراکه از این طریق می‌توانیم به ذات و صفات خداوند سبحان آگاهی پیدا کنیم. مثلاً درباره علم خداوند سبحان می‌دانیم که علم ایشان قدیم است و حادث نیست، حضوری است و حصولی نیست، و... البته گفته شد که آگاهی یافتن از کنه ذات و صفات خداوند سبحان برای ما امکان ندارد و اگر مراد ابن تیمیه از کیفیت، کنه ذات و صفات خداوند باشد، در این صورت کیفیت مجهول خواهد بود؛ اما می‌توان به ویژگی‌هایی از ذات و صفات الهی دست یافت.

ب. آنچه گفته شد، درباره عموم صفات الهی است؛ اما نسبت دادن صفات خبری به خداوند متعال با معنای معروفشان، آن‌هم به صورت حقیقی، مستلزم جسمانیت خداوند سبحان است. البته ابن تیمیه برای فرار از این اشکال قیودی همچون «بدون تشبیه» و «بدون بیان کیفیت» را آورده است، که آن نیز جز غیرقابل فهم کردن کلام الهی، چیزی به دنبال ندارد؛ چراکه مثلاً معنای معروف وجه و ید، چیزی جز عضو مخصوص، که جسمانی و مادی است، نیست. حال اگر بگویید معنای معروف وجه و ید مقصود است، اما جسمانی و مادی نیست، گرفتار تناقض گویی شده و مثل این است که کسی بگوید: فلان شکل، مثلث است و مقصودش معنای معروف مثلث باشد، ولی ضلع یا زاویه ندارد. یا مثلاً بگوید فلان شیء آب است و مقصودش معنای معروف آب باشد، ولی مایع و روان نیست. یا اینکه آن شیء، شیر حیوان است و مقصودش معنای معروف شیر باشد، اما یال، شکم، دم، چنگال و دیگر اعضای شیر را ندارد یا داشتن این اعضا برای ما مجهول است.^۱

۱. برای مطالعه بیشتر، نک: ربانی گلپایگانی، علی، «وهابیان و توحید در اسماء و صفات»، پایگاه تخصصی وهابیت پژوهی و جریان‌های سلفی، ۲۱ اسفند ۱۳۹۳ ش، آدرس:

<http://alwahabiyah.com/fa/Article/View/86690>

قسم دوم: توحید در ربوبیت

در این قسمت از مقاله، ابتدا به مفهوم‌شناسی «توحید در ربوبیت» از منظر ابن تیمیه پرداخته خواهد شد. بررسی خواهد شد که تعریف وی از توحید در ربوبیت قابل پذیرش است یا اینکه با اشکالات جدی روبه‌روست؟ سپس دیدگاه وی درباره توحید ربوبی مشرکان مطرح شده و بررسی و نقد خواهد شد.

۱. مفهوم توحید در ربوبیت

از منظر ابن تیمیه، توحید در ربوبیت به معنای اختصاص خالقیت به خداوند سبحان است.^۱ او در جایی دیگر نیز آن را اختصاص ربوبیت به خداوند سبحان معنا کرده است.^۲ وی در توضیح شرک در ربوبیت نیز می‌نویسد:

«رب» سبحان، مالک، مدبر، اعطاکننده، مانع‌شونده، ضرررساننده، منفعت‌دهنده، صاحب‌هیبت، بلندمرتبه، عزیزگرداننده و ذلیل‌کننده است؛ بنابراین اگر کسی شهادت دهد که اعطاکننده، مانع‌شونده، ضرررساننده، منفعت‌دهنده، عزیزگرداننده و ذلیل‌کننده غیر اوست، دچار شرک در ربوبیت شده است.^۳

روشن است که نزد ابن تیمیه، «رَب» مفهوم گسترده‌ای دارد و تمام شئون مذکور را شامل می‌شود؛ بنابراین توحید در ربوبیت نزد وی عبارت است از: اولاً؛ انسان خداوند متعال را یگانه خالقِ عالم بداند. ثانیاً؛ ربوبیت را به ایشان اختصاص داده و او را مالک، مدبر، اعطاکننده و... بداند.

بررسی و نقد

«رَب» در لغت به معنای تربیت است.^۴ تربیت یعنی ایجاد لحظه‌به‌لحظه یک چیز تا هنگامی که آن شیء کامل شود.^۵ به خداوند سبحان نیز رَب گفته می‌شود؛ چراکه

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، درء التعارض العقل و النقل، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۳، ص ۱۰۱.

۳. همان، ج ۱، ص ۹۱ و ۹۲.

۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات ألفاظ القرآن، ص ۲۰۸.

۵. همان.

عَهْدِهِ دَارِ مَصْلَحَتِ موجودات،^۱ و اصلاح‌کننده احوال ایشان است.^۲ «خلق» نیز به معنای مقدر کردن است^۳ و در ابداع چیزی بدون اینکه اصلی داشته باشد و نیز ایجاد یک چیز از چیزی دیگر، استعمال می‌شود.^۴ خلق به معنای ابداع، تنها درباره خداوند متعال به کار می‌رود.^۵

بنابراین مفهوم «خلق» ناظر به اصل ایجاد یک چیز است؛ برخلاف مفهوم «رب» که به تداوم آن ایجاد، و به کمال رسیدن وجود دلالت دارد. پس خالقیت خداوند متعال به معنای ایجاد و ابداع مخلوقات توسط اوست و ربوبیت ایشان به معنای تداوم وجود مخلوقات و به کمال رساندن آنهاست. در نتیجه توحید در ربوبیت، چیزی غیر از توحید در خالقیت است. توحید در خالقیت به این معناست که خداوند سبحان، تنها خالق مستقل در عالم است. توحید در ربوبیت نیز به این معناست که خداوند سبحان، تنها تداوم‌دهنده وجود مخلوقات و به کمال رساننده آنهاست. پس نمی‌توان خالقیت را مصداقی از ربوبیت دانست و تفسیر توحید در ربوبیت به توحید در خالقیت، اشتباهی لغوی و تفسیری است که ابن تیمیه دچار آن شده است.

۲. توحید ربوبی مشرکان

به اعتقاد ابن تیمیه، «مشرکان» در حوزه توحید ربوبی موحد بودند.^۶ او در این باره به آیاتی همچون «وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ»^۷ «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٢٢٢﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ»^۸ استدلال کرده است.^۹ وی می‌نویسد:

گروهی از سلف گفته‌اند: [خداوند سبحان] به آنها (مشرکان) می‌گوید: «چه

۱. همان.

۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۸۲.

۳. همان، ص ۲۱۳؛ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات ألفاظ القرآن، ص ۱۷۶.

۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات ألفاظ القرآن، ص ۱۷۶.

۵. همان.

۶. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۳، ص ۱۰۱؛ ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الإستقامة، ج ۲، ص ۳۱.

۷. سورة زمر، آیه ۳۸.

۸. سورة مؤمنون، آیات ۸۶ و ۸۷.

۹. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة النبویة، ج ۳، ص ۲۸۹.

کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟» آنها جواب می‌دهند: «الله [تبارک و تعالی]». اما با این حال، غیر از خداوند [سبحان] را عبادت می‌کنند.^۱

او همچنین می‌نگارد:^۲

مشرکانِ قریش و دیگر مشرکان اذعان می‌داشتند که خداوند [سبحان]، تنها خالق آسمان‌ها و زمین است. همان طور که [قرآن کریم] نیز می‌فرماید: ﴿وَلَسِنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾^۳، ﴿قُلْ لَّيْسَ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۴، ﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾^۵، ﴿قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ و ﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ﴾^۶.

البته اعتقاد به موحد بودن مشرکان در حوزه ربوبیت، به ابن تیمیه اختصاص ندارد و کسانی همچون ابن کثیر،^۸ محمد بن عبد الوهاب^۹ و صالح بن فوزان^{۱۰} نیز متأثر از او بوده و به موحد بودن مشرکان در حوزه ربوبیت اعتقاد دارند.

بررسی و نقد

اولاً: ابن تیمیه به دلیل خلط میان مفهوم «رب» و «خلق»، در برخی موارد به آیاتی استناد کرده که نهایت چیزی که می‌توان از آن آیات استفاده نمود، توحید در خالقیّت مشرکان است، نه توحید ربوبی آنان!

ثانیاً: دسته دیگری از آیات مورد استناد ابن تیمیه نیز بر اذعان مشرکان به بخشی از

۱. همان، ص ۲۸۹.

۲. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۱، ص ۱۵۵.

۳. سوره عنکبوت، آیه ۶۱: اگر از آنان [که شرک می‌ورزند] بپرسی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را رام و مسخر کرده، بی‌تردید خواهند گفت: خدا. پس چگونه [از حق به باطل] منحرف می‌شوند!

۴. سوره مؤمنون، آیه ۸۴: ای پیامبر ما، تو بگو که زمین و هرکسی که در آن موجود است، از کیست [و که آفریده است؟].

۵. سوره مؤمنون، آیه ۸۵: البته جواب خواهند داد: از خداست. پس بگو چرا متذکر قدرت خدا نمی‌شوید تا به عالم آخرت ایمان آورید؟

۶. سوره مؤمنون، آیه ۸۸: بگو: اگر معرفت و شناخت دارید [بگوید]: کیست که [حاکمیت مطلق و] فرمانروایی همه چیز به دست اوست و او پناه دهد و برخلاف خواسته‌اش به کسی [از عذاب] پناه داده نمی‌شود؟

۷. سوره مؤمنون، آیه ۸۹: محققاً آنها خواهند گفت: آن خداست. پس بگو که چرا به فریب و فسون مفتون شده‌اید؟

۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر ابن کثیر، ج ۵، ص ۴۵.

۹. ابن عبد الوهاب، محمد، کشف الشبهات، ج ۱، ص ۵.

۱۰. فوزان، صالح بن فوزان، الإرشاد إلى صحیح الاعتقاد، ص ۲۷ تا ۲۹.

ربوبیتِ خداوند در عالم آفرینش دلالت دارند، نه در تمام شئون و ابعاد هستی!

ثالثاً: اساساً شرک ربوبیِ مشرکان مدلولِ صریحِ برخی از آیات قرآن کریم است. به عنوان مثال، خداوند سبحان خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می فرماید که به مشرکان بگو: «أَغَيِّرَ اللَّهُ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ»^۱. در آیه ای دیگر نیز، اصرارِ مسلمانان بر ربوبیتِ «الله» علتِ اخراجِ آنان از سرزمینشان بیان شده است: «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ»^۲.

حال که قرآن به صراحت از شرک ربوبیِ مشرکان سخن گفته و آنان را مشرک در ربوبیت معرفی کرده است، چاره ای جز این نیست که اعترافِ آنان به خالقیت و ربوبیتِ الله را ندای فطرتِ ایشان بدانیم؛ یعنی اگر از فطرتِ آنان سؤال شود که چه کسی خالقِ آسمان ها و زمین است، پاسخ خواهند داد: «خداوند». قرطبی می گوید: «دو دیدگاه در تفسیر «سَيَقُولُونَ اللَّهُ...» وجود دارد: گروهی معتقدند مشرکان به خالقیتِ خدا اعتقاد داشتند، و گروه دوم نیز اگر فکر می کردند و انصاف می ورزیدند، می گفتند: خدا»^۳. ثعالبی می گوید: «آنان چاره ای جز اعتراف به این امر نداشتند و نمی توانستند سخن دیگری بگویند»^۴. شوکانی نیز می نگارد: «چاره ای ندارند جز اینکه بگویند: "از آن خداست"؛ چراکه از نظر عقلی، چنین امری بدیهی است»^۵.

قسم سوم: توحید در الوهیت

ابن تیمیه هدف از بعثتِ انبیا و انزال کتب را توحید در الوهیت دانسته است.^۶ وی توحید در الوهیت را به «اختصاصِ عبادت به خداوند سبحان» معنا کرده است.^۷ هرچند

۱. سورة انعام، آیه ۱۶۴: آیا جز خدا پروردگاری بجویم با اینکه او پروردگار همه چیز است!

۲. سورة حج، آیه ۴۰: آنان که به ناحق از دیارشان بیرون رانده شدند، اخراجشان سببی جز این نداشت که می گفتند: پروردگار ما خداست.

۳. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۰، ص ۴۹۰.

۴. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، الجواهر الحسان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۲۴۵.

۵. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدیر، ص ۹۹۱.

۶. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الإستمائة، ج ۲، ص ۳۱.

۷. همان.

وی الوهیت را متضمن ربوبیت، و ربوبیت را مستلزم الوهیت دانسته است،^۱ اما توحید در ربوبیت را مستلزم توحید در الوهیت نمی‌داند. به عبارت دیگر، این گونه نیست که کسی که در حوزه ربوبیت موحد است، در حوزه الوهیت نیز موحد باشد.^۲ در واقع، ابن تیمیه میان عالم معانی و مفاهیم، و عالم خارج فرق گذاشته است. مفهوم «اله» متضمن معنای «رَب»، و مفهوم «رَب» نیز مستلزم معنای «اله» است. کسی را که «اله» می‌دانیم، در واقع، او را «رَب» نیز دانسته‌ایم و کسی را که «رَب» می‌دانیم، باید او را «اله» نیز بدانیم. اما به اعتقاد ابن تیمیه، آنچه در خارج اتفاق افتاده این است که عده‌ای به استلزام موجود توجه نداشته و در عین اینکه الله را رَبِّ خود می‌دانستند، اله دیگری انتخاب کرده‌اند.^۳

در همین راستا، وی صرف نظیر قرارداد برای خداوند سبحان در عبادت، محبت، خوف، رجا، توبه یا پشیمانی را شرک در الوهیت دانسته است؛ حتی اگر اعتقاد به ربوبیت الله نیز وجود داشته باشد.^۴ از این رو، به اعتقاد او صرف درخواست چیزی از دیگران که غیر خداوند سبحان قادر به انجام آن نیست، شرک در الوهیت و عدم اختصاص عبادت به خداوند سبحان است.^۵ چرا که چنین درخواستی حکایت از این دارد که درخواست کننده به غیر خداوند سبحان امید دارد، آن گونه که به او امیدوار است. همچنین مسح قبور و بوسیدن و گذاشتن سر بر روی آنها نیز شرک در الوهیت و عدم اختصاص عبادت به خداوند متعال است؛^۶ چرا که حکایت از دوست داشتن غیر خداوند سبحان همانند او دارند. بنابراین، مفهوم «عبادت» نزد ابن تیمیه این است که انسان در عمل (عمل در مقابل نظر و عقیده، نه در مقابل گفتار) کاری انجام دهد که حکایت از این داشته باشد که وی کسی یا چیزی را در شأنی از شئون، همتای خداوند قرار داده است. آن نیز به

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۱۰، ص ۲۹۱.

۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الإستقامة، ج ۲، ص ۳۱.

۳. همان.

۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۱، ص ۹۱ و ۹۲.

۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، زیارة القبور و الإستجداء بالمقبور، ص ۹.

۶. همان، ص ۵۴.

دو صورت تحقق می‌یابد:

الف. اینکه انسان چیزی را از دیگری طلب کند که جز خداوند سبحان، کسی قادر به انجام آن نیست.

ب. یا اینکه انسان به قبور انبیاء تبرک جوید و آنها را مسح کند و اموری مانند آن را مرتکب شود.

به اعتقاد ابن تیمیه، برخلاف توحید در ربوبیت، توحید در الوهیت مستلزم و متضمن توحید در ربوبیت است؛^۱ یعنی هرکسی که در عالم خارج توانسته است به توحید در الوهیت برسد و عبادت را با همان معنای خاص نزد ابن تیمیه به خداوند سبحان اختصاص دهد، حتماً در حوزه ربوبیت موحد است وگرنه امکان ندارد که کسی بتواند عبادت را به خداوند سبحان اختصاص دهد و تنها او را عبادت کند، اما در حوزه نظر و عقیده موحد نباشد.

بررسی و نقد

اولاً: ابن تیمیه صرف طلب چیزی از دیگران که غیر خداوند سبحان قادر بر انجام آن نیستند و نیز صرف انجام اموری همچون تبرک و... را کاشف از همتا قراردادن غیر خداوند متعال با ایشان در شأنی از شئون، و در نتیجه، عبادت غیر خدا دانسته است. این در حالی است که چنین کاشفیتی وجود ندارد؛ چراکه مثلاً اگر از تبرک جوینده به قبور انبیا یا از کسی که از انبیا و صالحان شفای مریض خویش را طلب می‌کند، سؤال شود که به چه دلیل به فلان نبی تبرک جستید یا از او حاجت خواستید، خواهد گفت که این فرد به دلیل اطاعت و عبادت خداوند سبحان به جایگاه ویژه‌ای نزد او دست یافته است و خداوند سبحان این اجازه و قدرت را به او داده است تا بتواند در شفای مریض یا برآورده شدن برخی حاجات تأثیر داشته باشد؛ بنابراین از او می‌خواهیم که مثلاً مریض ما را شفا دهد یا به او تبرک می‌کنیم تا از برکاتی که خداوند به او عنایت کرده، بهره‌مند شویم.

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، درء التعارض العقل والنقل، ج ۹، ص ۳۴۴؛ ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الإستقامة، ج ۲، ص ۳۱.

روشن است که میان امید و محبتی که به فرد مستقل و بی‌نیاز است و امید و محبت به فردی که به آن بی‌نیاز وابسته است، تفاوت ماهوی وجود دارد. مطالعه و بررسی عبادت بت‌پرستان نیز ما را به این نتیجه خواهد رساند که قرآن کریم نیز میان این دو نوع محبت و امید تفاوت ماهوی قائل است. خداوند سبحان خطاب به بت‌پرستان می‌فرماید: «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا»^۱ و نیز می‌فرماید: «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ»^۲. آن‌گاه در جایی دیگر تمام عزت و نصرت را مختص به خود کرده و می‌فرماید: «فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا»^۳ یا «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»^۴. با قراردادن این دو دسته از آیات در کنار یکدیگر و نیز با عنایت به قید «من دون الله» که در آیات دسته اول آمده است، به این نتیجه خواهیم رسید که توییخ بت‌پرستان توسط خداوند سبحان به این دلیل بوده که آنان تمام عزت و نصرت را مختص خداوند سبحان نمی‌دانستند و به نصرت و عزتی در عرض نصرت و عزت خداوند سبحان اعتقاد داشتند؛ وگرنه عزت و نصرتی که در طول عزت و نصرت خداوند سبحان باشد، خروج از دو قاعده «فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» و «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» نیست و نیازی به توییخ ندارد.

ثانیاً: ابن تیمیه با تفاوت قائل شدن میان عالم مفاهیم و عالم خارج، با اینکه مفهوم «اله» را متضمن معنای «رَب»، و مفهوم «رَب» را مستلزم معنای «اله» می‌دانست،^۵ باز توحید در ربوبیت را مستلزم توحید در الوهیت ندانسته و مدعی شده است که آنچه در خارج اتفاق افتاده، این است که عده‌ای به استلزام موجود توجه نداشته و در عین اینکه الله را رَبِّ خود می‌دانستند، اله دیگری انتخاب کرده‌اند. غافل از اینکه اگر مفهوم «اله» متضمن معنای «رَب» باشد، اساساً امکان ندارد کسی که در حوزه ربوبیت موحد است،

۱. سوره مریم، آیه ۸۱: و آنان غیر از خدا، معبودانی را برای خود برگزیدند تا مایه عزتشان باشد.

۲. سوره یس، آیه ۷۴: آنان غیر از خدا معبودانی برای خویش برگزیدند، به این امید که یاری شوند.

۳. سوره فاطر، آیه ۱۰: تمام عزت برای خداست.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۲۶: وگرنه، پیروزی تنها از جانب خداوند توانای حکیم است.

۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۱۰، ص ۲۸۴.

الهی غیر از الله تبارک و تعالی را برگزیند؛ چراکه با اعتقاد به ربوبیت الله، هیچ کس غیر از خداوند متعال نمی تواند اله شود و متضمن معنای رب گردد. بله، امکان دارد کسی به این استلزام توجه نداشته و در عین اینکه توحید در ربوبیت دارد، بخواهد اله دیگری غیر از الله تبارک و تعالی برگزیند، اما هرگز به این کار موفق نخواهد شد. بنابراین، اگر فرد به ربوبیت الله اعتقاد داشته باشد، درخواست طلب شفای مریض از غیر خداوند متعال یا تبرک جویی به قبور اولیای الهی توسط او، به هیچ وجه سبب نمی شود که آن غیر، اله او شود و عمل وی عبادت غیر الله محسوب گردد.

نتیجه

با توجه به مطالب مذکور باید گفت که کلام ابن تیمیه در باب توحید و شرک، با چند اشکال جدی مواجه است: ۱. تقسیم سه گانه توحید یک تقسیم اجتهادی و استقرایی صرف بوده و با مبنای ابن تیمیه مبنی بر لزوم تبعیت از فهم سلف، مخالف است. ۲. این تقسیم مستند به استقرای ناقص است و استقرای ناقص حجت نیست. ۳. بر اساس تبیینی که ابن تیمیه از توحید در ربوبیت و توحید در الوهیت ارائه نموده، تقسیم مذکور فاقد اثر و فایده است. ۴. نسبت دادن صفات خبری با همان معنای معروفشان به صورت حقیقی به خداوند سبحان، مستلزم تجسیم است و عدم بیان کیفیت صفات نیز چیزی جز اجمال کلام الهی به دنبال ندارد. ۵. تفسیر «توحید در ربوبیت» به «اختصاص خالقیت به خداوند سبحان»، ناشی از خلط میان مفهوم رب و خلق است. ۶. برخلاف ادعای ابن تیمیه، مشرکان در حوزه ربوبیت نیز گرفتار شرک بودند. ۷. صرف طلب چیزی از غیر خداوند سبحان که جز ایشان کسی قادر به انجام آن نیست، و صرف تبرک و اموری مانند آن، کاشف از همتا قراردادن دیگران با خداوند سبحان در شأنی از شئون نیست. ۸. بر اساس تبیین ابن تیمیه از رابطه حاکم میان توحید در الوهیت و توحید در ربوبیت، اساساً با وجود توحید در ربوبیت، شرک در الوهیت امکان ندارد.

کتابنامه

۱. ابن عبد الوهاب، محمد، **كشف الشبهات**، عربستان: وزارة الشؤون الإسلامية و الأوقاف و الدعوة و الإرشاد، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **درء التعارض العقل و النقل**، تحقیق: محمد رشاد سالم، عربستان: جامعة الإمام محمد بن سعود، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **دقائق التفسیر الجامع لتفسیر ابن تیمیه**، تحقیق: محمد سید جلیند، دمشق: مؤسسة علوم القرآن، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **زيارة القبور و الاستجداء بالمقبور**، ریاض: دار طيبة، بی تا.
۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **مجموع الفتاوی**، تحقیق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدینه: مجمع الملك فهد، ۱۴۱۶ق.
۶. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **منهاج السنة النبویة؛ فی نقض کلام الشیعة القدیریة**، تحقیق: محمد رشاد سالم، بی جا: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۷. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **الاستقامة**، تحقیق: محمد رشاد سالم، مدینه: جامعة الإمام محمد بن سعود، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۸. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **التدمیریة**، تحقیق: محمد بن عوده، ریاض: مكتبة العبيكان، چاپ سوم، ۱۴۲۱ق.
۹. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، **الفتاوی الحمویة الکبری**، تحقیق: محمد بن ریاض احمد، بیروت: مكتبة العصرية، ۱۴۲۵ق.
۱۰. ابن عثیمین، محمد بن صالح، **القول المفید علی کتاب التوحید**، عربستان: دار ابن الجوزی، چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.
۱۱. ابن عثیمین، محمد بن صالح، **شرح العقیدة السفارینیة _ الدرة المضية فی عقد أهل الفرقة المرضیة**، ریاض: دار الوطن، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۱۲. ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دار عالم الکتب، ۱۴۲۰ق.
۱۳. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، **مدارج السالکین؛ بین منازل إياك نعبد و إياك نستعین**، تحقیق: محمد معتصم بالله بغدادی، بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.
۱۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، **تفسیر ابن کثیر**، بی جا: دار البحار، چاپ اول، ۲۰۰۷م.
۱۵. بدر، عبدالرزاق بن عبدالمحسن، **القول السدید فی الرد علی من أنکر تقسیم التوحید**، عربستان: دار ابن القیم، چاپ سوم، ۱۴۲۲ق.

۱۶. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، **مجموع فتاوى**، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۷. ترکی، عبدالله بن عبدالمحسن، **مجمعل اعتقاد أئمة السلف**، عربستان: وزارة الشؤون الإسلامية و الأوقاف و الدعوة و الإرشاد، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
۱۸. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، **الجواهر الحسان في تفسير القرآن**، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۹. حازمی، احمد بن عمر، **شرح العقيدة الواسطية**، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۰. دمیجی، عبدالله بن عمر، **فهم السلف الصالح للنصوص الشرعية**، مکه: مرکز البحوث و الدراسات، ۱۴۳۱ق.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **معجم مفردات ألفاظ القرآن**، تحقیق: ابراهیم شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمية، چاپ دوم، ۲۰۰۸م.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الراغب**، بی جا: دار المعروف، بی تا.
۲۳. ربانی گلپایگانی، علی، «وهاييان و توحيد در اسماء و صفات»، **پایگاه تخصصی و هایت پژوهی و جریان های سلفی**، ۲۱ اسفند ۱۳۹۳ش، آدرس: <http://alwahabiyah.com/fa/Article/View/86690>
۲۴. سقاف، حسن بن علی، **التنديد بمن عدّد التوحيد**، عمان: دار الإمام النووي، چاپ سوم، ۱۴۱۳ق.
۲۵. سلمی، عبدالرحیم بن صمایل، **حقیقة التوحيد بين أهل السنة و المتكلمين**، بی جا: دار المعلمة، بی تا.
۲۶. شوکانی، محمد بن علی، **فتح القدير؛ الجامع بين فني الرواية و الدراية من علم التفسير**، بیروت: دار المعرفة، چاپ چهارم، ۱۴۲۸ق.
۲۷. طباطبایی، سید محمدحسین، **نهاية الحکمة**، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ش.
۲۸. عباد البدر، عبدالمحسن بن حمد، **شرح الأربعين النووية**، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۹. فوزان، صالح بن فوزان، **الإرشاد إلى صحيح الاعتقاد؛ و الرد على أهل الشرك و الإلحاد**، ریاض: دار العاصمة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۳۰. قرطبی، محمد بن احمد، **الجامع لأحكام القرآن؛ و المبين لما تضمنه من السنة و آي الفرقان**، تحقیق: عبدالمحسن ترکی، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۳۱. محمود متولی، تامر محمد، **منهج الشيخ محمد رشيد رضا في العقيدة**، بی جا: دار ماجد عسیری، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.

